

سنجش فضایی مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی مناطق پیراشهری، شهرستان گرگان

یوسف درویشی*، سید محمد موسوی پارسایی**، مهین پیره***، رضا سارلی****

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

امروزه راهبردهای زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی روستایی، سازماندهی فعالیت‌های مرتبط با منابع طبیعی با هدف حفاظت از محیط از طریق آگاه‌سازی جوامع محلی می‌باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد تبیین تحلیل فضایی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان شهرستان گرگان می‌باشد. تحقیق حاضر از حیث روش، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را سرپرستان خانوارهای روستایی شهرستان گرگان تشکیل می‌دهند. برای انتخاب خانوارهای نمونه، کلیه روستاها با توجه به طبقه‌ای (برحسب خانوار) که در آن قرار داشتند، کدبندی و با استفاده از نرم‌افزار Mini-Tab، تعداد هشت روستا به شیوه کاملاً تصادفی (چهار روستا در منطقه دشتی و چهار روستا در مناطق پایکوهی) انتخاب شدند. بدین ترتیب حجم کل خانوارهای انتخابی، ۹۹۵ به‌دست آمده که براساس فرمول کوکران، نمونه‌ای به تعداد ۱۷۷ نفر انتخاب گردیده است که به‌منظور صحت بیشتر، ۱۸۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند که این تعداد به‌روش تخصیص متناسب، بین هشت روستای نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک توزیع شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که اعتبار ابزار تحقیق نیز با استفاده از اعتبار صوری (مراجعه به متخصصان) تأیید شد و برای تعیین ارزیابی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که با توجه به عدد به‌دست آمده (۰/۸۷) می‌توان گفت پرسشنامه تحقیق از پایایی بالایی برخوردار است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنادار بین عوامل اجتماعی و آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان می‌باشد، همچنین نتایج گویای آن است که بین عوامل اقتصادی و آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان، هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد.

کلمات کلیدی: سنجش فضایی، مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی، آگاهی‌های زیست‌محیطی، روستاییان شهرستان گرگان.

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. phddarvishi@yahoo.com

** دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

*** دانشجوی ارشد هیدورژئومورفولوژی - برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه مازندران، ایران.

**** دانشجوی ارشد گروه جغرافیا، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

مقدمه

مسائل زیست‌محیطی منحصر به یک جامعه یا مکان جغرافیایی خاص نیستند بلکه ابعادی فراملیتی دارند. در نتیجه این واقعیت برای انسان نمایان می‌شود که بروز مشکلات و معضلات در هر نقطه از زمین می‌تواند پیامدهای مختلفی در دیگر نقاط به همراه داشته باشد. امروزه بحران محیط‌زیست، ناشی از فقدان دانش و آگاهی بشر از مسائل محیط‌زیست می‌باشد. به‌طوری که فریتیوف معتقد است که تحصیل آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه نیل به پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌هاست. یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در مطالعات محیط‌زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را می‌توان با افزایش آگاهی عمومی در مورد محیط‌زیست برطرف کرد. به‌عبارت دیگر اعتقاد بر این است که آگاهی زیست‌محیطی کلید حل بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی در نتیجه توسعه پایدار است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۶). روستاها به‌عنوان یکی از مکان‌های قابل‌زیست با توجه به نزدیکی خاصی که به طبیعت پیرامون خود دارند، بیش‌ترین تأثیر را بر محیط گذاشته و همچنین بیش‌ترین تأثیر را از محیط دریافت می‌کنند لذا بواسطه این ارتباط نزدیک، نقش و تأثیر مهمی در محیط‌زیست دارند (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۲). به‌همین دلیل امروزه آگاهی روستاییان از مسائل زیست‌محیطی پیرامون خود به‌عنوان مهم‌ترین برنامه در کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در راستای دستیابی به توسعه پایدار محیط‌زیست مطرح می‌شود. هم‌اکنون رویکردهای توسعه پایدار روستایی همه‌جانبه به‌دنبال نفوذ پارادایم‌های جدید توسعه برای ارائه یک

چهارچوب مطمئن، با هدف اصلاح و پیشرفت مفاهیم کلیدی در سیاست‌های توسعه‌ای همانند پایداری، مشارکت خود جوش و آگاهانه، خودآگاهی و آگاهی‌های محیطی هستند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۱۲). بنابراین امروزه این ایده که "در بین عوامل محرک و بستر ساز برنامه‌های اقدام برای توسعه پایدار روستایی، شاید مهم‌ترین عامل، ادراک و آگاهی ساکنان مناطق روستایی از توانایی‌های خود و محیط پیرامون باشد" مورد توجه و اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قرار گرفته است. لذا با مطالعه متون و ادبیات موجود استنباط می‌شود بیش‌تر پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آموزش‌های مبتنی بر آگاه‌سازی روستاییان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، رهیافت‌های ترویجی اطلاع‌رسانی می‌دانند. در همین راستا، آن‌ها بر این باورند که نیازهای آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی روستاییان فراتر از نیازهای امور کشاورزی می‌باشد که تاکنون محور اغلب راهبردهای ترویجی و اطلاع‌رسانی روستایی بوده است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۱۶). لذا با توجه به ضرورت و اهمیت آگاهی روستاییان از مسائل زیست‌محیطی، پژوهش حاضر درصدد شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان ساکن در شهرستان گرگان می‌باشد. با توجه به مسائل مطرح شده، سؤال اساسی تحقیق این‌گونه مطرح می‌شود: آگاهی‌های روستاییان پیرامون محیط‌زیست چه میزان می‌باشد؟ و عوامل اجتماعی-اقتصادی خانوارهای روستایی تا چه حد باعث آگاهی‌های زیست‌محیطی آنان می‌شود؟

مبانی نظری

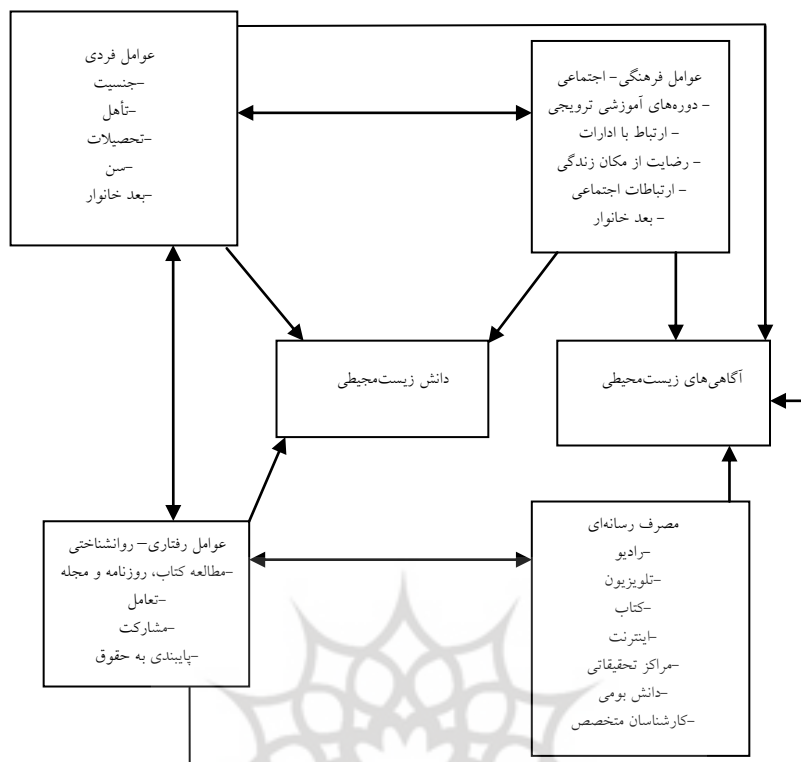
امروزه پژوهشگران برای باورند که افزایش آگاهی عمومی زیست‌محیطی می‌تواند مسائل و مشکلات زیست‌محیطی را کاهش دهد و منجر به رفتارهای مسئولانه در برابر محیط‌زیست شود. یک رفتار مخرب زیست‌محیطی در مکان و زمان معین می‌تواند تأثیرات ناخواسته فراوانی در سایر مکان‌ها و زمان‌ها داشته باشد و صدمات جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌های آینده و بر زندگی نسل‌های فردا وارد آورد. در چنین شرایطی دستیابی به توسعه پایدار ناممکن به نظر می‌رسد چراکه رابطه بین توسعه پایدار و محیط‌زیست رابطه‌ای دوسویه است و غفلت از محیط‌زیست مانع از دستیابی به اهداف توسعه می‌شود (گراوندی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). کسب آگاهی زیست‌محیطی نخستین گام در راه پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت آگاهی زیست‌محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط‌زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌هاست (فریتوف، ۱۳۸۶: ۲۸۳). براین اساس از نظر مفهومی، آگاهی زیست‌محیطی یعنی میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست‌محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت چگونگی رفتار جهت بهبود معضلات آن است. اما از نظر عملیاتی شامل اطلاعات عمومی افراد درباره اهمیت و نقش محیط‌زیست در زندگی‌شان می‌باشد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱؛ لئونیدو و همکاران، ۲۰۱۰). گامبرون و سویتزکی نیز آگاهی زیست‌محیطی را توانایی فرد در درک و ارزیابی تأثیرگذاری جامعه بر بوم‌سازگان (اکوسیستم) تعریف می‌کنند، به‌صورتی که این آگاهی در قالب درک مسائل مربوط به محیط‌زیست و منشأ به وجود آمدن آن‌ها و پیامدهای ناشی از آن مسائل جلوه‌گر می‌شود (صالحی، ۲۰۰۸).

بنابراین ضرورت دارد که انسان‌ها در رفتارهای زیست‌محیطی خود تجدید نظر کنند، به گونه‌ای که این رفتارها در جهت حفظ سلامت محیط‌زیست و جلوگیری از آلوده کردن آن جهت یابند تا بتوان از بروز چالش‌های بیش‌تر در آینده پیشگیری به عمل آورد (رهید و همکاران، ۲۰۱۵؛ برتون، ۲۰۱۴). البته رفتاری که افراد در قبال محیط‌زیست دارند، خود تحت تأثیر عامل‌های بسیاری است که براساس بررسی‌های مختلف، آگاهی زیست‌محیطی یکی از عامل‌های اثرگذار بر رفتارهای افراد در قبال محیط‌زیست و جهت‌دهی به این رفتارها در رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌باشد (بیبل‌دیز و همکاران، ۲۰۱۱؛ تسکین، ۲۰۰۹؛ خواجه شاهکویی و همکاران، ۱۳۹۴).

اکنون مسائل زیست‌محیطی به قدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آن‌ها دیگر به مسائل فنی ختم نمی‌شود. در حال حاضر مسائل زیست‌محیطی عمیقاً مفهوم اجتماعی یافته‌اند و ریشه فرهنگی-اجتماعی دارند. حفظ محیط‌زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن مسئله فرهنگ اجتماعی است (اسلام‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۳). فرهنگ عامل اصلی و به‌معنای موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست است. بهبود محیط‌زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست‌محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور می‌باشد. اخلاق زیست‌محیطی رفتار ایده‌آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است (ازدري، ۱۳۸۲: ۲۷-۲۸). بنابراین اطلاعات زیست‌محیطی به‌منزله نخستین گام در جهت مشارکت شهروندان در مسائل زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که اولین گام در فرآیند

آموزش حفاظت از محیط زیست، دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌هاست. دستیابی هر شهروند به اطلاعات زیست محیطی امری مهم است که می‌تواند به متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات و یا طبقه اجتماعی مرتبط باشد. به دست آوردن اطلاعات زیست محیطی نه تنها یک نقطه شروع است، بلکه بخش جدایی ناپذیر از فرایند آموزش می‌باشد (شیرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷). با افزایش آلودگی‌های زیست محیطی اقتصاد محیط زیست به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد که نه تنها جنبه‌های اقتصادی محیط زیست را در برمی‌گیرد، بلکه به تأثیر متقابل اقتصاد و محیط زیست توجه دارد، مطرح شده است (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۰). اقتصاد علم استفاده بهینه از منابع است. آگاهی از این علم و استفاده از آن بشر را قادر می‌سازد تا از منابع کمیاب طبیعت به نحو مطلوب استفاده نماید. اما باید به این نکته توجه داشت که نفع خود باید در راستای منافع جامعه قرار گیرد. به همین دلیل استفاده بهینه از منابع طبیعت باید در راستای منافع جمعی و با لحاظ منافع نسل‌های آتی و به حداقل رسانیدن تخریب و آلودگی محیط زیست صورت پذیرد (رضوی، ۱۳۹۲: ۲۳). با توجه به اهمیت تأثیر آگاهی‌های زیست محیطی بر چگونگی رفتارهای افراد در قبال محیط زیست خود، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. از جمله نتایج بررسی‌های گوز و کاواس (۲۰۱۷)، در زمینه بررسی آگاهی‌های زیست محیطی دانشجویان در ترکیه نشان داد که آگاهی دانشجویان در سطح محدودی قرار داشته و ارتباطی بین این میزان از آگاهی با سطح تحصیلات والدین دانشجویان وجود نداشت. همچنین تکسوز و همکاران (۲۰۱۷)، در بررسی میزان سواد زیست محیطی دانشجویان دانشکده شیمی

در دو دوره پیش و پس از آموزش‌های زیست محیطی به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری در میزان آگاهی‌های زیست محیطی آنان در دو دوره پیش و پس از آموزش وجود دارد. از طرفی پژوهش کوز و همکاران (۲۰۱۸)، به منظور بررسی میزان آگاهی زیست محیطی دانشجویان در ترکیه نشان داد که آگاهی نسبت به محیط زیست بر حسب نوع دانشکده و جنسیت متفاوت است. هوشمندان مقدم فرد و شمس (۱۳۹۶)، نیز در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش آموزگاران ابتدایی شهر زنجان در گنجاندن آموزش‌های کشاورزی و محیط زیست در برنامه‌های درسی نشان دادند که بیشتر آموزگاران (۷۸/۴ درصد)، دارای نگرش مساعدی در زمینه گنجاندن موضوع‌های کشاورزی و محیط زیست در برنامه‌های آموزشی هستند و آموزگاران با تجربه پیشین کار کشاورزی نگرش مساعدتری در مقایسه با آموزگاران بدون تجربه کار کشاورزی داشتند و پیشینه تدریس در روستا رابطه مثبت و معنادار با نگرش زیست محیطی داشته و در مقابل سن، پیشینه تدریس کل و سطح تحصیلات بانگرش مورد بحث رابطه معناداری نداشتند. خواجه شاهکویی و همکاران (۱۳۹۴)، در بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست محیطی روستاییان دهستان جاغرق شهرستان بینالود به این نتایج دست یافتند که میزان آگاهی‌های روستاییان از امور زیست محیطی پیرامون خود در حد متوسطی می‌باشد. از سویی مشخص شد که بین سن، تحصیلات، بررسی کتاب، روزنامه و مجله، میزان درآمد سالانه و شرکت در دوره‌های آموزشی ترویجی با سطح آگاهی‌های زیست محیطی آنان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (تصویر شماره ۱).



ت ۱. مدل مفهومی پژوهش.

روش تحقیق

حاصله از این تحقیق به جامعه می باشد. همچنین از نظر میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها و تحلیل داده ها به ترتیب: غیر آزمایشی و توصیفی - استنباطی است. در این پژوهش جامعه آماری مورد نظر ما حدود ۱۹۹۵ خانوار ساکن (به صورت فعلی) در هشت روستا می باشند که با استفاده از فرمول تعیین حجم کوکران نمونه ای به تعداد ۲۷۷ نفر انتخاب گردید که به منظور دقت بیش تر ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و روش نمونه گیری ساده برای تکمیل پرسشنامه جهت بررسی آگاهی های زیست محیطی روستاییان انتخاب شد. نمونه ها به صورت تصادفی از بین روستاییان انتخاب شدند. ابتدا هشت روستا به طور تصادفی انتخاب شدند، حجم نمونه به طور متناسب بین روستاها تخصیص یافت و سپس به صورت تصادفی نمونه ها از روستاها انتخاب شدند.

این تحقیق از لحاظ جهت گیری پژوهش و هدف، از نوع پژوهش های کاربردی است زیرا در جهت توسعه دانش کاربردی (وضعیت آگاهی های زیست محیطی روستاییان مورد مطالعه در شهرستان گرگان) انجام می گیرد و نتایج آن برای برنامه ریزان و دست اندرکاران امر قابل استفاده می باشد. از لحاظ زمانی نیز، با عنایت به اینکه این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص و معین انجام می گیرد از نوع پژوهش های تک مقطعی می باشد. در این تحقیق از جنبه منطقی یا رویکرد پژوهشی، با توجه به اینکه به دنبال تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر آگاهی های زیست محیطی روستاییان در شهرستان گرگان است و از سویی در صدد امکان تعمیم دهی نتایج آن می باشد، از رویکرد استقرایی بهره گرفته شده و با کمک تکنیک های نمونه گیری، سعی در تعمیم نتایج

محدوده مورد مطالعه

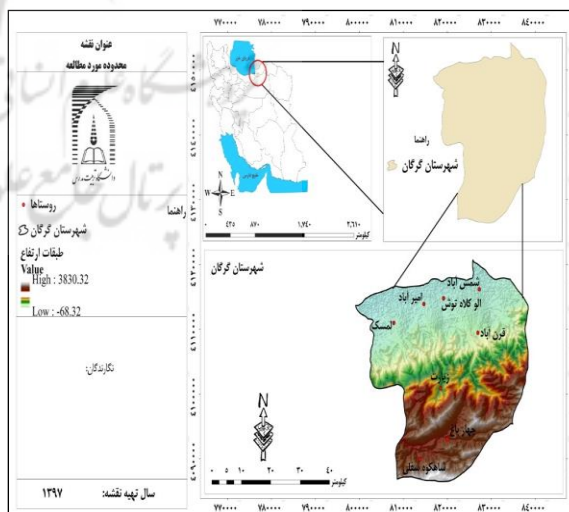
شهرستان گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است و در طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۲۵ دقیقه و در عرض ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه واقع شده است. گرگان دارای آب و هوای معتدل می‌باشد. وسعت شهرستان گرگان ۱۶۱۵/۸ کیلومتر مربع (۷/۹۱ درصد از مساحت استان) می‌باشد و براساس تقسیمات کشوری سال ۸۹ از دو بخش مرکزی و بهاران و سه شهر گرگان، سرخنگلاته و جلین، پنج دهستان و ۹۷ روستا تشکیل شده است. روستای لسمک در ۵ کیلومتری غرب گرگان و روستای امیرآباد در ۷ کیلومتری جنوب در امتداد محور آق‌قلا به گرگان و روستای آلوکلاه توشن در ۹ کیلومتری گرگان در امتداد جاده آق‌قلا به سرخنگلاه، گرگان استقرار یافته و روستای شمس‌آباد در ۲۵ کیلومتری گرگان در امتداد جاده گرگان به مشهد و روستای زیارت در ۱۹ کیلومتری جنوب گرگان در جنگل‌های هیرکانی و روستاهای قرن‌آباد، چهارباغ و شاهکوه سفلی در محور توسکستان در امتداد جاده گرگان به شاهرود در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای واقع شده‌اند (تصویر شماره ۲).

یافته‌های تحقیق

از مجموع ۱۸۰ نفر نمونه آماری، ۹۶/۱ درصد از جامعه آماری را مردان و ۳/۹ درصد از جامعه آماری مورد مطالعه را زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه جامعه آماری این تحقیق، سرپرستان خانوارها می‌باشند و معمولاً سرپرستان خانوار مردان هستند، فقط مواردی که زنان به دلیل فوت شوهرشان یا به علت جدایی سرپرست خانوار محسوب می‌شدند مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به گروه سنی بین ۴۰-۳۱ سال با ۲۷/۹ درصد می‌باشد و گروه سنی بین ۳۰-۲۰ سال با ۱۰/۷ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند. در روستاهای دشتی، بیشترین فراوانی تحصیلات مربوط به راهنمایی با ۳۱/۳ درصد و در روستاهای پایکوهی دیپلم با ۳۱/۵ درصد بوده است. بیش‌ترین فراوانی نوع فعالیت پاسخگویان مربوط به شغل کشاورزی با ۷۵/۳ درصد در روستاهای دشتی و ۷۱/۵ درصد در روستاهای پایکوهی و کمترین فراوانی مربوط به شغل کارگری با ۲/۷ درصد در روستاهای دشتی و ۱/۵ درصد در روستاهای پایکوهی می‌باشد.

عوامل اجتماعی

در بخش عوامل اجتماعی سه متغیر مستقل (میزان استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری، بررسی متغیرهای اجتماعی به‌عنوان نقاط قوت فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی و متغیرهای اجتماعی به‌عنوان موانع و ضعف‌های فراروی آگاهی زیست‌محیطی) استفاده شده است. در فرضیه شماره یک به بررسی رابطه متغیر مستقل (عوامل اجتماعی) و متغیر وابسته (آگاهی‌های زیست‌محیطی) با استفاده از آزمون کلموگروف (جدول شماره ۱) و ناپارامتریک فریدمن (جدول شماره ۲) در دو منطقه دشتی و پایکوهی پرداخته‌ایم.



ت ۲. محدوده مورد مطالعه.

زیست‌محیطی روستاهای دشتی، با در نظر گرفتن مقدار آماره آزمون اختصاص یافته به هر زیرمؤلفه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با توجه به مقدار معناداری مقدار ۰/۰۰۰ نشان از رد فرض صفر دارد. یعنی دلیلی برای تأیید این فرضیه که "نمونه مورد نظر از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد"، وجود ندارد. به عبارتی توزیع این نمونه، نرمال نمی‌باشد. و بین داده‌ها در بین این آزمون توزیع متفاوت وجود دارد. به عبارت کلی: نظرات افراد در پاسخ‌گویی به بخش‌های مرتبط به این جدول متفاوت نبوده است. و جهت تکمیل عملکرد این آزمون از آزمون (ناپارامتریک) استفاده می‌کنیم که علت استفاده از آزمون تی بدلیل توزیع نرمال داده‌های در آزمون کلموگروف می‌باشد که نتوانسته از طریق آن آزمون به هدف مذکور دست یافت به همین دلیل از آزمون مکمل تی تک نمونه‌ای در این قسمت استفاده می‌شود.

بر اساس آزمون فریدمن سطح معناداری ۹۹ درصد برای شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی تأثیرگذار بر آگاهی زیست‌محیطی بدست آمده است که این امر بیانگر میزان تأثیرگذاری بسیار بالای این شاخص‌های ارتباط جمعی در روستاهای دشتی بر روی آگاهی زیست‌محیطی روستاییان این مناطق می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلفی چون دسترسی آسان و ارزان به این عوامل و قدمت منطقه و تلاش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط در افزایش آگاهی بومیان از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی می‌باشد و با توجه به داده‌های جدول ذکر شده باید گفت تلویزیون بیش‌ترین تأثیر مثبت در ایجاد امنیت را با میانگین رتبه‌ای ۷/۵۳ به خود اختصاص داده و مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی با میانگین رتبه‌ای ۳/۱۳ که پایین‌ترین میانگین رتبه‌ای موجود است کمترین تأثیرگذاری را در آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق دشتی داشته است.

مؤلفه‌های اقتصادی	آماره آزمون	سطح معناداری
رادیو	۰/۲۳۱	(NS) ۰/۳۵۲
تلویزیون	۰/۲۷۴	(NS) ۰/۱۳۱
کتاب	۰/۲۰۹	(NS) ۰/۲۵۷
نشریات ترویجی	۰/۱۹۳	(NS) ۰/۳۹۱
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	۰/۲۵۳	(NS) ۰/۰۸۱
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	۰/۲۲۴	(NS) ۰/۴۵۳
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	۰/۲۹۳	(NS) ۰/۱۸۳
کلاس‌های آموزشی دهیاری	۰/۲۶۱	(NS) ۰/۱۲۲
کشاورزان نمونه منطقه	۰/۲۷۹	(NS) ۰/۸۵۷

ج ۱. بررسی میزان نرمال بودن داده‌های مؤلفه تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای دشتی با استفاده از آزمون کلموگروف سطح معناداری تا ۹۹٪، سطح معناداری تا ۹۵٪، عدم معناداری (NS)، مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
رادیو	۵/۰۰	۴۰۴/۱۱۰	۸	۰/۰۰۰
تلویزیون	۷/۵۳			
کتاب	۴/۶۳			
نشریات ترویجی	۳/۴۰			
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	۳/۱۳			
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	۴/۶۰			
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	۶/۴۸			
کلاس‌های آموزشی دهیاری	۴/۱۱			
کشاورزان نمونه منطقه	۶/۱۱			

ج ۲. نتایج آزمون فریدمن پیرامون تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای دشتی، ۹۹٪ معناداری.

با توجه به آزمون که جهت بررسی توزیع نرمال داده‌ها و با توجه به سطح معناداری اختصاص یافته به هر یک از زیر مؤلفه تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی

براساس جدول شماره ۳ سطح معناداری ۹۹ درصد برای شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی تأثیرگذار بر آگاهی زیست‌محیطی در روستاهای پایکوهی بدست آمده است که این امر بیانگر میزان تأثیرگذاری بسیار بالای این شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی در روستاهای پایکوهی بر روی آگاهی زیست‌محیطی روستاییان این مناطق می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلف قدمت منطقه و تلاش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط در افزایش آگاهی بومیان از طریق آموزش‌های رسمی و

غیررسمی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده باید گفت تلویزیون بیش‌ترین تأثیر مثبت در ایجاد امنیت را با میانگین رتبه‌ای ۷/۳۳ به خود اختصاص داده و نشریات ترویجی با میانگین رتبه‌ای ۳/۰۴ که پایین‌ترین میانگین رتبه‌ای موجود است، کم‌ترین تأثیرگذاری را در آگاهی زیست‌محیطی روستاییان مناطق پایکوهی داشته است که این امر بیش‌تر تحت تأثیر بعد مسافت بین واحدهای چاپی نشریات و روستاییان می‌باشد.

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضرب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
راديو	۵/۰۱	۳۹۶۷۸۹	۸	۰۰۰۰ (**)
تلویزیون	۷/۳۳			
کتاب	۳/۸۳			
نشریات ترویجی	۳/۰۴			
مراکز و ایستگاه‌های تحقیقاتی	۴/۰۸			
استفاده از کارشناسان متخصص زیست‌محیطی	۴/۷۳			
دانش بومی منتقل شده از نیاکان	۶/۸۲			
کلاس‌های آموزشی دهیاری	۵/۰۷			
کشاورزان نمونه منطقه	۶/۱۰			

ج ۳. نتایج آزمون فریدمن پیرامون تأثیر وسایل ارتباط جمعی در کسب آگاهی زیست‌محیطی روستاهای پایکوهی (***) ۹۹٪ معناداری.

براساس جدول شماره ۴ که از طریق آزمون ناپارامتریک فریدمن به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی بومیان روستاهای دشتی انجام گرفته با توجه به مؤلفه‌هایی که از بومیان نسبت به این موضوع مورد سنجش قرار گرفته‌اند می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تا سطح معناداری ۹۹ درصد از منظر بومیان عوامل اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها مؤثر بوده است اما میزان تأثیرگذاری این عوامل در این منظر متناوب بوده که بیش‌ترین تأثیرگذاری، آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی بوده که از نظر روستاییان مناطق

دشتی بیش‌ترین تأثیر را در افزایش آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها داشته و کم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار را آموزش روستاییان به خود اختصاص داده که این امر نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که روستاییان از تلاش‌های دستگاه‌های آموزشی در افزایش آگاهی زیست‌محیطی رضایت ندارند و آن را نسبت به بخش‌های مختلف دخیل در این امر در بخش مؤلفه‌های اجتماعی ضعیف‌ترین و کم‌کارآمدترین بخش می‌دانند که با این تفاسیر نیازمند تلاش برای ارتقا و تغییر در نحوه آموزش بومیان از آگاهی‌های زیست‌محیطی در منطقه دشتی می‌باشد.

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
فراهم کردن مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط‌زیست	۶/۰۲	۲۲۹/۵۷۷	۱۴	۰.۰۰۰ (***)
آموزش روستاییان	۵/۸۵			
کاهش فقر و بیکاری	۷/۶۵			
کیفیت خدمات و مسکن	۹/۹۳			
کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	۷/۵۴			
فعالیت‌های آموزشی مدارس	۸/۰۲			
برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های گروهی	۶/۶۱			
استفاده از کارشناسان زیست‌محیطی	۷/۶۶			
آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی	۱۰/۴۱			
میزان مطالعه کتاب‌های مرتبط با محیط‌زیست	۸/۷۹			
رضایت از مکان زندگی خود	۸/۱۱			
دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی	۸/۹۱			
ارتباط با نهادها و ارگان‌های دولتی	۹/۳۷			
شرکت در کلاس‌های ترویجی جهت حفظ محیط‌زیست	۷/۹۰			
آشنایی با تکنولوژی جدید در امور کشاورزی	۷/۲۳			

ج ۴. بررسی نقش مؤلفه‌های اجتماعی جهت افزایش آگاهی زیست‌محیطی با استفاده از آزمون فریدمن برای روستاهای دشتی، (***) ۹۹٪ معناداری.

تأثیرگذار را آموزش روستاییان و دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی به خود اختصاص داده که این امر نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که روستاییان از تلاش‌های دستگاه‌های آموزشی در افزایش آگاهی زیست‌محیطی رضایت ندارند و آن را نسبت به بخش‌های مختلف دخیل در این امر در بخش مؤلفه‌های اجتماعی ضعیف‌ترین و کم‌کارآمدترین بخش می‌دانند و عدم دسترسی را تحت تأثیر شرایط جغرافیایی واقع شده روستا می‌دانند که با این تفاسیر نیازمند تلاش برای بالا بردن و تغییر در نحوه آموزش بومیان و تغییر در نحوه دسترسی آن‌ها می‌باشد که از این طریق می‌توان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان را تا سطح قابل قبولی بالا برد.

بر اساس جدول شماره ۵ که از طریق آزمون ناپارامتریک فریدمن به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی بومیان روستاهای پایکوهی انجام گرفته با توجه به مؤلفه‌های که از بومیان نسبت به این موضوع مورد سنجش قرار گرفته‌اند می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تا سطح معناداری ۹۵ درصد از منظر بومیان عوامل اجتماعی بر روی آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها مؤثر بوده است اما میزان تأثیرگذاری این عوامل در این منظر متناوب بوده که بیش‌ترین تأثیرگذاری، آشنایی با نحوه تشکیل، مدیریت و عضویت در تشکل‌های جمعی بوده که از نظر روستاییان مناطق پایکوهی بیش‌ترین تأثیر افزایش آگاهی زیست‌محیطی آن‌ها داشته و کم‌ترین مؤلفه

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
فراهم کردن مشارکت روستائیان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط‌زیست	۶/۴۲	۱۴۸/۸۹۲	۱۴	۰.۰۱۲ (*)
آموزش روستائیان	۲/۲۸			
کاهش ففرویکاری	۶/۲۴			
کیفیت خدمات و مسکن	۹/۷۱			
کیفیت دسترسی به اطلاعات و ارتباطات	۸/۱۵			
فعالیت‌های آموزشی مدارس	۷/۴۸			
برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های گروهی	۷/۷۱			
استفاده از کارشناسان زیست‌محیطی	۷/۶۶			
آشنایی با نحوه تشکیل و عضویت در تشکل‌های جمعی	۹/۷۷			
میزان مطالعه کتاب‌های مرتبط با محیط‌زیست	۸/۷۷			
رضایت از مکان زندگی خود	۸/۶۷			
دسترسی به زیر ساخت‌های آموزشی	۲/۲۸			
ارتباط با نهادها و ارگان‌های دولتی	۹/۲۴			
شرکت در کلاس‌های ترویجی جهت حفظ محیط‌زیست	۷/۹۳			
آشنایی با تکنولوژی جدید در امور کشاورزی	۷/۳۸			

ج ۵. بررسی نقش مؤلفه‌های اجتماعی جهت افزایش آگاهی زیست‌محیطی با استفاده از آزمون فریدمن برای روستاهای پایکوهی، (**). ۹۵٪ معناداری.

خود نسبت به اهمیت محیط‌زیست پیرامون خود آگاه می‌باشند، که با توجه به این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تأثیرگذاری این موانع‌ها در عدم توجیه و آگاهی بومیان نسبت به محیط‌زیست پیرامون بسیار تأثیرگذار بوده است که باید با برنامه‌ریزی مدون و کارآمد ابتدا میزان تأثیرگذاری این عوامل را کاهش داد و به مرور زمان بطور کل این عوامل ضعف و موانع را بطور کل از بین برد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جدول شماره ۷ سطح معناداری ۹۹ درصد برای مؤلفه‌های مشخص شده بدست آمده است که این امر بیانگر تأثیر بسیار بالای این مؤلفه‌ها در عدم افزایش میزان آگاهی زیست‌محیطی روستائیان مناطق پایکوهی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده مؤلفه‌هایی که در زیر مجموعه این بخش قرار گرفته‌اند از اهمیت یکسانی

براساس جدول شماره ۶ همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح معناداری ۹۵ درصد برای مؤلفه‌های مشخص شده بدست آمده است که این امر بیانگر تأثیر بسیار بالای این مؤلفه‌ها در عدم افزایش میزان آگاهی زیست‌محیطی روستائیان مناطق دشتی می‌باشد و با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده مؤلفه‌هایی که در زیرمجموعه این بخش قرار گرفته‌اند از اهمیت یکسانی برخوردار نبوده‌اند، همانطور که مشاهده می‌شود عدم استطاعت مالی / امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا بیش‌ترین تأثیر منفی را در عدم آگاهی زیست‌محیطی روستائیان با میانگین رتبه‌ای ۴/۸۲ به خود اختصاص داده و کم‌ترین میزان تأثیرگذاری آگاه‌ناسختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست با میانگین رتبه‌ای ۳/۱۷ می‌باشد که تأثیر کم این عامل بیش‌تر تحت تأثیر این مقوله است که مردم به خودی

دستی پراکندگی بسیار بالای این روستاییان و کم توجهی به کاهش موانع در جهت آگاه‌سازی زیست‌محیطی این افراد می‌باشد که با توجه به این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تأثیرگذاری این موانع‌ها در عدم توجیه و آگاهی بومیان نسبت به محیط‌زیست پیرامون بسیار تأثیرگذار بوده است که باید با برنامه‌ریزی مدون و کارآمد ابتدا میزان تأثیرگذاری این عوامل را کاهش داد و به مرور زمان بطور کل این عوامل ضعف و موانع را بطور کل از بین برد.

برخوردار نبوده‌اند، برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی بیش‌ترین تأثیر منفی را در عدم آگاهی زیست‌محیطی روستاییان با میانگین رتبه‌ای ۴/۷۵ به خود اختصاص داده و کم‌ترین میزان تأثیرگذاری آگاه‌نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست با میانگین رتبه‌ای ۲/۸۰ می‌باشد که تأثیر کم این عامل بیش‌تر تحت تأثیر این مقوله است که مردم به خودی خود نسبت به اهمیت محیط‌زیست پیرامون خود آگاه می‌باشند، از علل اصلی پایین بودن میانگین‌های ربطی در این بخش نسبت به روستاییان مناطق

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
پایین بودن سطح سواد	۳/۴۰	۱۰۵/۵۹۴	۶	۰۰۳۰ (*)
برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی	۴/۴۶			
ضعف برنامه‌های تلویزیونی در حوزه محیط‌زیست	۴/۵۰			
دسترسی نداشتن به اطلاعات و ارتباطات	۳/۸۰			
عدم استطاعت مالی / امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا	۴/۸۲			
عدم وجود برنامه مشخص و عدم توجه مسئولین دولتی به مشارکت مردم در طرح‌های مربوط به محیط‌زیست	۳/۸۵			
آگاه‌نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست	۳/۱۷			

ج ۶. بررسی نقش موانع و ضعف‌های فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی روستاییان در روستاهای دستی با استفاده از آزمون فریدمن (*). ۹۵٪ معناداری

گویه‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
پایین بودن سطح سواد	۴/۳۹	۱۱۹/۱۲۷	۶	۰۰۰۰ (**)
برگزار نشدن کلاس‌های ترویجی و آموزشی	۴/۷۵			
ضعف برنامه‌های تلویزیونی در حوزه محیط‌زیست	۴/۵۰			
دسترسی نداشتن به اطلاعات و ارتباطات	۳/۸۳			
عدم استطاعت مالی / امکانات و سرمایه ناچیز اهالی روستا	۴/۳۸			
عدم وجود برنامه مشخص و عدم توجه مسئولین دولتی به مشارکت مردم در طرح‌های مربوط به محیط‌زیست	۳/۳۵			
آگاه‌نساختن مردم در مورد اهمیت محیط‌زیست	۲/۸۰			

ج ۷. بررسی نقش موانع و ضعف‌های فراروی افزایش آگاهی زیست‌محیطی روستاییان در روستاهای پایکوهی با استفاده از آزمون فریدمن (**). ۹۹٪ معناداری.

عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی مورد سنجش در پژوهش حاضر شامل متغیرهای (نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه، مالکیت مسکن، نوع کشت و چگونگی دسترسی به امکانات تولیدی) می‌باشد. در فرضیه شماره دو به بررسی رابطه متغیر مستقل (عوامل اقتصادی) و متغیر وابسته (آگاهی زیست‌محیطی) با استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک کروسکال والیس، یو-من ویتنی، اسپیرمن می‌پردازیم. با توجه به جدول شماره ۸ که از طریق آزمون کروسکال والیس به سنجش میزان تأثیرگذاری شغل ساکنان روستاهای مناطق دشتی و پایکوهی بر روی میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان پرداخته است با در نظر گرفتن میانگین‌های رتبه‌ای اختصاص یافته به هر

شغل در دو بخش مورد سنجش (روستاهای دشتی و پایکوهی) و آماره آزمون که منوط به میانگین رتبه‌ای است و در نهایت سطح معناداری اختصاص یافته به هر بخش بطور کل تحت تأثیر تمامی شغل‌های مورد سنجش می‌توان اینگونه استدلال نمود که شغل ساکنان روستایی در مناطق دشتی با توجه به سطح معناداری که تا سطح ۹۵ درصد را نشان می‌دهد به‌طور نسبی بر آگاهی زیست‌محیطی این روستاییان مؤثر واقع شده ولی در منطقه پایکوهی شغل ساکنین با توجه به عدم معناداری که در سطح معناداری این بخش مشهود است بر روی آگاهی زیست‌محیطی ساکنان این روستاهای (پایکوهی) تأثیرگذار نبوده بلکه عوامل دیگر در این امر دخیل می‌باشند.

سطح معناداری	آماره آزمون	میانگین رتبه‌ها	مقوله‌ها	تپ روستاها	متغیر وابسته	متغیر مستقل
*۰/۰۳۷	۱۰/۱۸۹	۸۰/۰۴	کشاورزی	دشتی	آگاهی‌های زیست‌محیطی	نوع شغل
		۳۸/۶۷	دامداری			
		۵۱/۴۵	اداری			
		۶۷/۴۷	آزاد			
		۹۶/۸۸	کارگری			
ns۰/۳۵۲	۴/۴۱۸	۶۳/۷۳	کشاورزی	پایکوهی		
		۸۳/۷۵	دامداری			
		۵۱/۸۹	اداری			
		۶۹/۸۲	آزاد			
		۶۹/۵۰	کارگری			

ج ۸. تفاوت میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان بر حسب نوع شغل با استفاده از آزمون کروسکال والیس،

(*). ۹۵٪ معناداری.

یا آبی را انتخاب می‌کنند ولی در روستاهای پایکوهی زیاد مؤثر نیست به این دلیل که در مناطق پایکوهی بخاطر محدود بودن اراضی زیرکشت کشاورزان بیش‌تر نوع کشتی را انتخاب می‌کنند که بیشترین بازده محصول را دارد در نتیجه سود بیشتری بهره ببرند، علت عدم معناداری در این بخش هم تحت تأثیر این امر می‌باشد.

با توجه به جدول شماره ۹ که سنجش میزان تأثیرگذاری آگاهی زیست‌محیطی بر نوع کشت کشاورزان روستایی در مناطق دشتی و پایکوهی از طریق آزمون من‌ویتنی پرداخته می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که بین آگاهی زیست‌محیطی و انتخاب نوع کشت در روستاهای دشتی رابطه جود دارد بدین معنا که با در نظر گرفتن ویژگی محیطی نوع کشت دیم

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع روستا	نوع کشت	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
آگاهی‌های زیست‌محیطی	نوع کشت	دشتی	کشت آبی	۶۷/۸۸	-۲/۲۴۶	*۰/۰۲۵
			کشت دیم	۴۶/۰۶		
		پایکوهی	کشت آبی	۵۸/۹۹	-۰/۹۸۹	ns۰/۰۳۲۲
			کشت دیم	۵۲/۹۵		

ج ۹. میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن بر نوع کشت براساس آزمون یومان ویتنی، مأخذ: (*). ۹۵٪ معناداری NS عدم معناداری.

در دو منطقه دشتی و پایکوهی انجام گرفته با در نظر گرفتن تمامی اوصاف و سطح معناداری حاصله می‌توان این‌گونه نتیجه حاصل نمود که بین این دو ارتباطی وجود ندارد. علت آن نیز این مقوله می‌باشد که هنوز در نواحی روستایی به این سطح فرهنگی نرسیده‌اند که هزینه‌ای بابت جلوگیری از تخریب محیط‌زیست متقبل شوند و یا هزینه‌ای از طریق خود ساکنان جهت اجرای برنامه‌های آموزشی جهت بالابردن آگاهی زیست‌محیطی ساکنان روستایی انجام گیرد، در نتیجه میزان درآمد آن‌ها نتوانسته بصورت مستقیم بر آگاهی زیست‌محیطی آنها تأثیرگذار باشد.

بر طبق جدول شماره ۱۰ که از طریق آزمون کروسکال والیس به بررسی میزان تأثیرپذیری آگاهی زیست‌محیطی از نوع مالکیت در مناطق روستایی (دشتی و پایکوهی) انجام گرفته با توجه به سطح معناداری هر بخش که عدم معناداری را بطور یقین نشان می‌دهد می‌توان این‌گونه استدلال نمود که به هیچ وجه آگاهی زیست‌محیطی روستاییان تحت تأثیر شرایط مالکیت آن‌ها بر مسکن نیست بلکه تحت تأثیر عوامل گوناگون دیگر قرار می‌گیرد.

با توجه به جدول شماره ۱۱ که از طریق آزمون اسپیرمن به سنجش رابطه میزان درآمد اشخاص و میزان آگاهی زیست‌محیطی روستاییان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تپ روستا	مقوله‌ها	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
نوع مالکیت مسکن	آگاهی‌های زیست‌محیطی	دشتی	شخصی	۷۷/۹۹	۱/۴۶۸	ns۰/۶۹۰
			اجاره‌ای	۶۶/۵۶		
			رهن	۷۳/۸۸		
			موروثی	۶۹/۰۳		
		پایکوهی	شخصی	۶۵/۶۸	۳/۷۱۳	ns۰/۲۹۴
			اجاره‌ای	۱۲۶/۰۰		
			رهن	۷۲/۰۰		
			موروثی	۴۹/۶۷		

ج ۱۰. تفاوت میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی بر حسب نوع مالکیت مسکن با استفاده آزمون کروسکال والیس.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تپ روستا	ضریب آماره	سطح معناداری
درآمد	آگاهی	دشتی	-۰/۰۷۱	۰/۳۸۷ns
	زیست محیطی	پایکوهی	۰/۰۳۹	۰/۶۶۳ns

ج ۱۱. آزمون اسپیرمن جهت بررسی رابطه درآمد با آگاهی های زیست محیطی روستاییان NS عدم معناداری.

نتیجه

در بخش عوامل اجتماعی سه متغیر مستقل (میزان استفاده از رسانه های دیداری و شنیداری، بررسی متغیرهای اجتماعی به عنوان نقاط قوت فراروی افزایش آگاهی زیست محیطی، متغیرهای اجتماعی به عنوان موانع و ضعف های فراروی آگاهی زیست محیطی) استفاده شده است. نتایج حاصل در تمامی مؤلفه های اجتماعی رابطه معنادار با متغیر آگاهی زیست محیطی را نشان می دهد. لذا رابطه معناداری بین مؤلفه های اجتماعی خانوار روستایی با آگاهی زیست محیطی برقرار می باشد، البته لازم به ذکر است که میزان تأثیرگذاری عوامل اجتماعی در دو منطقه مورد پژوهش متفاوت است به گونه ای که این تأثیرگذاری در مناطق پایکوهی به طور چشم گیری کم تر از مناطق دشتی می باشد. علت این امر هم فاصله نسبتاً بیشتر این روستاها نسبت به روستاهای دشتی از مراکز ترویج آگاهی زیست محیطی در بخش اجتماعی است و دسترسی آنها به این مراکز کم تر و حتی به بعضی از آنها غیر ممکن است. در نهایت فرض اول پژوهش حاضر از لحاظ نتایج حاصله از این پژوهش به طور تقریبی با نتایج فاضل نیا و افتخاری (۱۳۸۴)، وانگ (۲۰۱۴)، هوری (۲۰۱۳)، کاربزر (۱۹۹۰)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)، نامدار (۱۳۸۹) همسو بوده و فقط در نوع محیط مورد سنجش و مؤلفه های مبنا قرار گرفته در مؤلفه اجتماعی متفاوت

است ولی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش شاهنوشی (۱۳۸۶)، مولنیا (۲۰۱۳)، دونو (۲۰۱۰)، هانگفورد و ولک (۱۹۹۰)، عمرانی و محمدی (۱۳۸۶) و صالحی (۱۳۹۰) هم جهت نبود و نتایج متفاوت بوده که بیش تر تحت تأثیر ویژگی های متفاوتی بوده است که مورد سنجش قرار گرفته اند.

همچنین عوامل اقتصادی مورد سنجش در پژوهش حاضر شامل متغیرها در دو بُعد: الف: فردی (نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه، مالکیت مسکن) و ب: ویژگی های شغلی (نوع کشت، چگونگی دسترسی به امکانات تولیدی) مورد سنجش قرار گرفته شده است. نتایج حاصل در دو بخش مؤلفه های فردی و ویژگی های شغلی خانوار و ارتباط آنها با آگاهی زیست محیطی در دو ناحیه مورد مطالعه دشتی و پایکوهی به صورت مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و هر دو ناحیه به صورت تقریباً همگون عدم ارتباط را (غیر از موارد خاص) نشان داده اند، این هم به علت نزدیکی شرایط شغلی دو محیط بوده است. البته فقط در تأثیر آگاهی زیست محیطی بر انتخاب نوع کشت تأثیرگذاری متفاوتی در دو محیط وجود داشت که آن هم تحت تأثیر شرایط محیطی منطقه بوده است. نتایج حاصله از این پژوهش در بخش فرض دوم به طور تقریبی با نتایج پیتر (۲۰۱۳)، خواجه شاهکوهی (۱۳۹۴)، صالحی (۱۳۹۲)، فرجی (۱۳۹۰)، حجازی (۱۳۹۳)، مهدومی (۱۳۹۴) همسو بوده ولی فقط در محیط مورد مطالعه و معیارهای جزویی مورد سنجش متفاوت بوده است ولی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش دورفر (۱۹۹۲)، هانگفورد و ولک (۱۹۹۰)، رامزی (۱۹۷۶)، عبدالهی (۱۳۹۱)، باوثوق (۱۳۸۴) و قالیباف (۱۳۸۸)، کوکی (۱۳۸۴) هم جهت نبود و نتایج متفاوت بوده که بیشتر تحت تأثیر این عامل بوده که این پژوهشها بیشتر به تأثیرگذاری

زندگی می‌کند، دارای حس تعلق شوند و رفتارهای زیست‌محیطی بهتری داشته باشند.

فهرست منابع

- اژدری. (۱۳۸۲)، توسعه فرهنگی و محیط‌زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، شماره ۳۹.
- اسلام‌زاد، وحید. (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، نشر سازمان سبز حزب اسلامی کار.
- افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین و همکاران. (۱۳۸۴)، تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از توان‌های خود و محیط پیرامون، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۱۲.
- ترنر. (۱۳۸۸)، اقتصاد محیط‌زیست، ترجمه: کوچکی؛ ع، دهقانیان؛ سعید، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- رضوی، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی اثرات افزایش صادرات غیرنفتی بر آلودگی محیط‌زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خواجه شاهرکوهی و همکاران. (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستائیان (بررسی موردی: دهستان جاغرق در شهرستان بینالود)، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، صص ۹۵-۸۵.
- صالحی، صادق و همکاران. (۱۳۹۱)، مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج)، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۴۷.
- صالحی، صادق و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه دانش زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۴، صص ۱۷۳-۱۶۰.
- فریت یوت، کاپرا. (۱۳۸۶)، پیوندهای پنهان: تلفیق گسترده‌های زیست‌شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری، ترجمه: محمد حریری اکبری، نشرنی، تهران.
- گراوندی، شهیر و همکاران. (۱۳۹۰)، مدل‌سازی توسعه پایدار زیست‌محیطی با استفاده از تئوری بنیانی

آگاهی زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی توجه نموده‌اند و به تأثیرگذاری عوامل دخیل بر ایجاد آگاهی زیست‌محیطی به‌خصوص عوامل اقتصادی مؤثر بر این عامل توجه نگردیده است. در نهایت پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

- مطالعه پژوهشی در راستای سنجش عوامل اثرگذار بر ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی بین اقشار مختلف مردم در سنین مختلف و کلیه سطوح تحصیلی به‌ویژه افراد دارای تحصیلات پایین برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست.

- مطالعه پژوهشی در راستای شناخت بهتر عوامل مؤثر برای برنامه‌ریزی و استفاده هرچه بیشتر از امکانات به‌ویژه رادیو به منظور ارتقای آگاهی افراد محلی در خصوص مسائل زیست‌محیطی.

- پیشنهاد می‌گردد که مطالعه‌ای در راستای آموزشگران محیط‌زیست برای ارتقای سطح یادگیری و ماندگار کردن آن از ترکیب روش‌های مشارکتی و رسانه‌های نو استفاده کنند. زیرا روش‌های ترکیبی ضمن جذب نسل جوان، آن‌ها را وادار به فعالیت‌های گروهی و تیمی می‌نماید و هم‌زمان از مزایای دو روش برخوردار می‌کند. هم‌چنین با توجه به تأثیر نسبتاً بالای استفاده از این روش‌ها، پیشنهاد می‌گردد که آموزش و پرورش، فرهنگ استفاده از این گونه روش‌های ترکیبی را در مدارس ترویج نماید و حتی به نوعی الزامی نماید.

- مطالعه در راستای شناخت اصول تقویت روحیه جمعی: کاهش فردگرایی و افزایش روحیه مشارکت، امری است که می‌تواند با فرهنگ‌سازی و تلاش در جهت آن عملی شود. باید در افراد جامعه مشارکت و کار جمعی و هم‌چنین حس مسئولیت اجتماعی تقویت شود که این امر باعث می‌شود افراد به محیطی که در آن

- Leonidou, L. C., Leonidou, C. N. and Kvasova, O. (2010). Antecedents and outcomes of consumer environmentally friendly attitudes and behaviour. *Journal of Marketing Management*, 26(13-14), 1319-1344

- <https://doi.org/10.22034/38.167.83>

(مورد مطالعه: روستای شروینه شهرستان جوانرود)، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۶۷-۷۸.

- لنگرودی، حسن و همکاران. (۱۳۹۰)، مروری بر مشکلات زیست محیطی روستاهای ایران و راهکارهای حل این مشکلات، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، ۱۰۱-۱۱۵.

- هوشمندان مقدم فرد، زهرا و همکاران. (۱۳۹۴)، عامل‌های مؤثر بر نگرش آموزگاران ابتدایی شهر زنجان در گنجاندن آموزش‌های کشاورزی و محیط زیست در برنامه‌های درسی، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، صص ۵۲-۴۰.

- فرهمند و همکاران. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی (مورد بررسی: شهروندان شهر یزد)، مطالعات جامعه شناختی شهری، صص ۱۴۱-۱۰۹.

- Teksoz, G., Sahin, E. and Ertepinar, H. (2010). A New Vision for Chemistry Education Students: Environmental Education. *International Journal of Environmental and Science Education*, 5(2), 131-149.

- Köse, S., Gencer, A. S., Gezer, K., Erol, G. H. and Bilen, K. (20118). Investigation of undergraduate students' environmental attitudes. *International Electronic Journal of environmental education*, 1(2),

- Burton, R. J. (2017). The influence of farmer demographic characteristics on environmental behaviour: A review. *Journal of environmental management*, 135, 19-26.

- Rhead, R., Elliot, M., and Upham, P. (2015). Assessing the structure of UK environmental concern and its association with pro-environmental behaviour. *Journal of Environmental Psychology*, 43, 175-183.

- Salehi, S. (2008). A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours, Phd Dissertation. The University of Leeds.

Taskin, O. (2017). The environmental attitudes of Turkish senior high school students in the context of postmaterialism and the new environmental paradigm. *International Journal of Science Education*, 31(4), 481-502.

Yildiz, N. D., Yilmaz, H. and Demir, M. (2017). Effects of personal characteristics on environmental awareness; a questionnaire survey with university campus people in a developing country, Turkey. *Scientific Research and Essays*, 6(2), 332-340.

